واکاوی روایات بازتاب‌دهنده اندیشه سیاسی اجتماعی امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل‌سنت
مرضیه بلخاری قهی / محمدرضا شاهرودی / محمد صافحیان
علمی ـ پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و یکم، شمارهٔ ۸۳ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، تابستان ۱۴۰۳، ص ۹۷-۱۱۰

واکاوی روایات بازتاب‌دهنده اندیشه سیاسی اجتماعی امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل سنت*

مرضیه بلخاری قهی[۱]/ محمدرضا شاهرودی[۲]/ محمد صافحیان[۳]

چکیده: امام حسین علیه‌السلام درمیان شیعیان‌وسایرفِرق اسلامی، شخصیتی منحصربه فردبه دلیل رهبری قیام عاشوراست. پیرامون شخصیت آن حضرت به‌واسطه انتساب ایشان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله واهل‌بیت علیهم‌السلام، از دیدگاه فریقین، قرار داشتن آن حضرت در زمره والاترین اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از دیدگاه اهل سنت و دارا بودن مقام منیع امامت از منظر شیعیان، زمینه‌ها وآثار قیام تاریخی عاشورا، کتاب‌ها وپژوهش‌های فراوانی نگاشته شده است. اگرچه ایشان در زمان حیات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله سنین کودکی خود را سپری می‌کرده‌اند. عواملی از این دست ایجاب می‌کند سخنان منسوب به ایشان مورد مداقّه بیشتر و از حیث سند ومتن مورد ارزیابی قرار گیرد تا سلیم حدیث ایشان از سقیم آن باز شناخته شود؛ از این‌رو پرداختن به نقد سخنان سیاسی‌اجتماعی امام در منابع اهل سنت و احراز اعتبار سندی و محتوایی آن‌ها، جنبه علمی پیدا می‌کنند.

کلید واژه: امام حسین علیه‌السلام، روایات سیاسی، روایات اجتماعی، اعتبارسنجی احادیث.

---

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹.
۱. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد تهران جنوب.
۲. دانشیار دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران (استاد راهنما).
۳. استادیار دانشگاه آزاد تهران جنوب (استاد مشاور).

۱- مقدمه

در منابع دینی، احادیث به‌عنوان دومین منبع استنباط آموزه‌های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارد. خداوند متعال وظیفه تبیین آیات قرآن کریم را به عهده رسول گرامی اسلام گذاشته است (نحل: ۴۴)؛ ازهمین‌رو، قول و فعل آن حضرت به‌عنوان مبیّن قرآن مورد عنایت ویژه صحابه قرار گرفت. بعد از حیات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، با تحول وضعیت سیاسی-اجتماعی جامعه عرب و تثبیت جایگاه پیامبر به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی، این نقش به خلفا انتقال یافت. اما شیعیان با اعتقاد به جانشینی حضرت علی علیه‌السلام و فرزندان ایشان، دامنه حجیت را محدود به گفتار و کردار امامان علیهم‌السلام کردند و به گردآوری و ثبت روایات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و اهل‌بیت علیهم‌السلام اهتمام ورزیدند (مامقانی، ۲۴۰/۲).

۲- مفهوم اعتبار سنجی

از نظر اهل سنت، حدیث از نظر قبول و رد به سه دسته صحیح، حسن و ضعیف تقسیم می‌شود. این تقسیم توسط ترمذی در کتاب سنن ذکر شده و بعد از آن نیز در میان علمای متأخر اهل سنت ثابت باقی مانده است. ابوسلیمان خطابی می‌گوید: «حدیث نزد اهل آن به حدیث صحیح، ضعیف و سقیم تقسیم می‌شود» (خطابی، ۱۳۵۱ق، ج۱، ص۱۱). ابن صلاح نیز همین نظر را انتخاب کرده است (ابن صلاح، ۱۴۰۶، ص۹). سیوطی اقسام حدیث صحیح و معتبر نزد اهل سنت را این‌گونه بیان می‌کند: بالاترین درجه صحیح، حدیثی است که بخاری و مسلم بر آن اتفاق داشته‌اند و سپس حدیث‌هایی که بخاری و مسلم ذکر کرده‌اند و احادیث صحیح نزد دیگران (سیوطی، بی‌تا، ج۱، ص۱۳۱).

۳- مفهوم روایات سیاسی- اجتماعی

واژه «سیاست» از ریشه «سَوسَ یُسوس» به معنای فرمان دادن و اداره کردن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۶: ۱۰۷). در منابع اسلامی، سیاست به معنای تدبیر جامعه و اداره امور آن مطرح شده و ائمه اطهار علیهم‌السلام به عنوان «ساسة العباد» یاد شده‌اند. برخی منابع، سیاست را به معنای عمل تصمیم‌گیری و اجرای آن برای کل جامعه تعریف می‌کنند (بشیریه، ۱۳۸۱، ص

۲۳-۲۴). بنابراین، روایات سیاسی-اجتماعی به اداره جامعه و تدبیر آن مربوط می‌شوند و از امام صادر شده و در منابع اهل سنت ثبت شده‌اند.

با توجه به کمیابی احادیث امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل سنت، علاوه بر سخنان او، روایاتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و امام علی علیه‌السلام که امام حسین علیه‌السلام نقل کرده، گردآوری شده است. رویکرد «اِسناد» در قرن اول هجری، سخنان را به رسول خدا یا صحابه نسبت می‌داد و اهل‌بیت علیهم‌السلام علاوه بر نقل مستقیم، اخبار منتقل شده از طریق امام علی علیه‌السلام را نیز بیان کردند، بنابراین احادیث امام حسین علیه‌السلام به این دو منبع نیز مرتبط است.

۴- اندیشه سیاسی-اجتماعی امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل سنت

پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، در زمان خلافت ابوبکر و عمر، امام حسین علیه‌السلام در مواردی مانند گواهی دادن درباره فدک حضور داشت (ابن رستم، ۵۰۷-۵۰۶). در دوره خلافت عثمان، نخستین نقش فعال حسین بن علی علیه‌السلام به فتح طبرستان مرتبط است (طبری، ۳۲۳/۳). همچنین، در منابع آمده است که امام حسین علیه‌السلام به ابوذر در دوران تبعید، به صبر و بردباری دعوت کرده و پیروزی را نزدیک دانسته است (بلاذری، ۲۰۶/۳-۲۱۷).

در زمینه رفتار اجتماعی اهل‌بیت علیهم‌السلام، امام حسین علیه‌السلام و برادرش حسن علیه‌السلام، به فرمان امام علی علیه‌السلام، برای محافظت از عثمان در برابر شورشیان اقدام کردند، حتی با وجود نارضایتی از عملکرد خلافت عثمان (مقدسی، ۵/۲۰۶). این اقدام نشان‌دهنده تلاش امام حسین علیه‌السلام برای پاسداری از ارزش‌های جامعه است. نهضت امام حسین علیه‌السلام نیز از منظر مسائل سیاسی و اجتماعی اهمیت دارد و بررسی احادیث سیاسی-اجتماعی او می‌تواند به درک این ویژگی‌ها کمک کند.

۴-۱- توجه به جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در جامعه

جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام علی علیه‌السلام، در کلام امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل سنت برجسته است. در ادامه، به بررسی سه روایت مرتبط با این موضوع پرداخته می‌شود که به وضوح به اهمیت و جایگاه اهل‌بیت علیهم‌السلام در جامعه اسلامی اشاره دارند:

روایت اول: «قُمْ يَا عَلِيُّ فَبَايِعْهُمْ»، فَقَالَ: عَلَى مَا أُبَايِعُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «عَلَى أَنْ

يُطَاعَ اللَّهُ، وَلَا يُعْصَى، وَعَلَى أَنْ تَمْنَعُوا رَسُولَ اللَّهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَذَرَارِيَكُمْ»:(الطبراني، ۱۴۱۵، ۲۰۷/۲). این روایت به بیعت عقبه اشاره دارد که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام خواسته‌اند تا با گروه انصار بیعت کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در این بیعت، شرایطی را برای انصار مقرر کرده است، از جمله اینکه آنها باید به اطاعت از خداوند و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان پایبند باشند. در این روایت، تأکید بر نقش و جایگاه اهل‌بیت علیهم السلام و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله به وضوح مشاهده می‌شود.

تحلیل سندی[1]: سند این حدیث شامل افراد ثقه‌ای مانند احمد بن محمد بن الجعد الوشاء و عبد الله بن مروان است، اما حسین بن زید در منابع اهل سنت ضعیف شمرده شده و این موجب ضعف سندی می‌شود. (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج۱۱، ص۳۸۷؛ ابن عساکر، ج۳۳، ص۳۷)

مضمون حدیث: محتوای روایت به تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله بر اهمیت بیعت با اهل‌بیت علیهم السلام و حمایت از آنها اشاره دارد، که نشان‌دهنده جایگاه ویژه اهل‌بیت علیهم السلام در جامعه اسلامی است. (طبرانی، ۱۴۱۵، ۲۰۷/۲)

روایت دوم: حدثنا محمد بن مصفى الحمصي حدثنا العباس بن الوليد، عن شعبة عن يزيد بْنِ أَبِي مَرْيَمَ: «دَعْ مَا يُرِيبُكَ إِلَى مَا لا يُرِيبُكَ فَإِنَّ الْكَذِبَ رِيبَةٌ، وَإِنَّ الصِّدْقَ طُمَأْنِينَةٌ»(بلاذُري، ۱۴۱۷هـ، ۳ /۱۴۳): در این حدیث، امام حسین علیه السلام به خاطره‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند که در آن پیامبر صلی الله علیه و آله ممنوعیت دریافت صدقه از اهل‌بیت علیهم السلام را بیان کرده‌اند. این حدیث به اصول دینی و اخلاقی اشاره دارد، از جمله تأکید بر صداقت و دوری از دروغ که پیامبر صلی الله علیه و آله به آن توصیه کرده‌اند.

تحلیل سندی: سند این حدیث صحیح است و شامل افراد ثقه‌ای مانند محمد بن مصفی الحمصی و العباس بن الولید است. (ذهبی، ۱۴۰۵، ج۷، ص۲۰۳-۲۰۲، ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج۴، ص۸۲)

مضمون حدیث: این روایت نشان‌دهنده رعایت احکام دین و تأکید بر اخلاق در تعاملات اجتماعی است. امام حسین علیه السلام از این حدیث برای تأکید بر احترام به قوانین دین و جایگاه اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌کند و اهمیت صداقت و دوری از دروغ را در رفتار

۱. در سراسر این مقاله تحلیل سندی فقط بر مبنای منابع اهل تسنن انجام شده است.

و تعاملات اجتماعی برجسته می‌کند. (بلاذری، ۱۴۱۷هـ، ۱۴۳/۳)

روایت سوم: حَدَّثَنَا بِشْرُ بْنُ مُوسَى، ثنا الْحُمَيْدِيُّ، ثنا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ، عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ شَرِيكٍ، عَنْ بِشْرِ بْنِ غَالِبٍ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: «مَنْ أَحَبَّنَا لِلدُّنْيَا فَإِنَّ صَاحِبَ الدُّنْيَا يُحِبُّهُ الْبروَالْفَاجِرُ، وَمَنْ أَحَبَّنَا لِلَّهِ كُنَّا نَحْنُ وَهُويَوْمَ الْقِيَامَةِ كَهَاتَيْنِ» وَأَشَارَ بِالسَّبَّابَةِ وَالْوُسْطَى»:(أبوالقاسم الطبراني، ت ۳۶۰هـ، ۳ /۱۲۵)

این روایت به محبت مردم به اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارد و بیان می‌کند که محبت واقعی باید برای رضایت خداوند باشد، نه برای منافع دنیوی و محبت اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان محبت الهی در روز قیامت، موجب نزدیکی به اهل بیت علیهم‌السلام و همراهی با آنها خواهد شد. در این حدیث، محبت دنیوی و آخرتی به اهل بیت علیهم‌السلام از یکدیگر تفکیک شده و اهمیت محبت حقیقی برای خداوند مورد تأکید قرار گرفته است.

تحلیل سندی: این حدیث از جمله احادیث ضعیف است و به دلیل ضعف عبد الله بن شریک در منابع حدیثی، اعتبار آن مورد تردید است. (رباط، ۱۴۳۰، ج۱۷، ص۵۱۲، أبوزرعة الرازي، ج۳، ص۸۹۰) ذهبی نیز اورا امام، حافظ، فقیه وشیخ الحرم توصیف کرده است. (ذهبی، ۱۴۲۷، ج۹، ص۳۱). سُفْيَانُ بن عيينة الهلالي: عجلی اورا ثقه وثبت فی الحدیث دانسته است.(العجلی الکوفی، ۱۴۰۵هـ، ۱۹۴)

مضمون حدیث: محتوای حدیث اهمیت محبت واقعی به اهل بیت علیهم‌السلام را برای رضایت خداوند و آثار آن در قیامت توضیح می‌دهد. (أبوالقاسم الطبراني، ت ۳۶۰هـ، ۳ /۱۲۵)

۴-۲- یادآوری حق خود برای جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

ائمه علیهم‌السلام همواره به یادآوری حق جانشینی خود پرداخته‌اند. امام حسین علیه‌السلام نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در روایتی به این موضوع اشاره کرده است: «إِنَّ أَبِي لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْبَرٌ»، وَأَجْلَسَنِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَفِي يَدِي حَصًى فَجَعَلْتُ أُقَلِّبُهُ، فَلَمَّا نَزَلَ ذَهَبَ بِي إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَالَ لِي: «يَا بُنَيَّ مَنْ عَلَّمَكَ هَذَا؟» قُلْتُ: مَا عَلَّمَنِيهِ أَحَدٌ، قَالَ: «أَيْ بُنَيَّ حَلَفْتُ تَغْشَانَا حَلَفْتُ تَأْتِينَا» قَالَ: فَأَتَيْتُهُ يَوْمًا وَهُوَ خَالٍ بِمُعَاوِيَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْبَابِ لَمْ يَدْخُلْ فَرَجَعَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، فَلَمَّا رَأَيْتُهُ يَرْجِعُ رَجَعْتُ، فَلَقِيَنِي عُمَرُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

بَعْدَ ذَلِكَ فَقَالَ: «أَيْ بُنَيَّ لَمْ أَرَكَ أَتَيْتَنَا»، قُلْتُ: قَدْ جِئْتُ وَأَنْتَ خَالٍ بِمُعَاوِيَةَ فَرَأَيْتُ ابْنَ عُمَرَ يَرْجِعُ فَرَجَعْتُ، قَالَ: أَنْتَ أَحَقُّ بِالْإِذْنِ مِنَ ابْنِ عُمَرَ، إِنَّمَا أُثْبِتَ فِي رُءُوسِنَا مَا هَدَى اللَّهُ وَأَنْتُمْ، وَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰ ق، ۲/ ۱۴۳).

تحلیل سندی: ابن سعد سلیمان بن حرب را ثقه و کثیر الحدیث دانسته است. وی ابتدا قاضی کوفه و سپس به بصره رفت و در سال ۲۲۴ درگذشت (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج۷، ص۲۱۹). بخاری از سماع او از شعبه، حماد بن زید و حماد بن سلمه گزارش داده است (بخاری، بی‌تا، ج۴، ص۹). خطیب بغدادی نیز تأیید کرده است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج۱۰، ص۲۲).

ابن حبان نیز سلیمان بن حرب را در زمره ثقات ذکر کرده است (عجلی کوفی، ج۸، ص۴۵۶). حماد بن زید در سال ۱۷۹ هجری درگذشت (مزی، ۱۴۰۰، ج۷، ص۲۵۲). ابوحاتم گفته که او امام مردم در بصره بود (مزی، ۱۴۰۰، ج۷، ص۲۵۴). یحیی بن معین و عجلی نیز او را ثقه دانسته‌اند (عجلی کوفی، ج۷، ص۴۵۸).

یحیی بن سعید الأنصاری نیز ثقه دانسته شده است (عجلی کوفی، ج۵، ص۵۲۱). نسائی او را مأمون و یکی از ائمه دانسته است (نسائی، ۱۴۲۱، ج۳، ص۲۴۰). عُبَيْدِ بْنِ حُنَيْنٍ نیز ثقه و صالح الحدیث است (رازی، ۱۴۰۲، ۵/ ۴۰۵). نتیجه می‌گیریم که سند حدیث صحیح و معتبر است.

مضمون حدیث: امام حسین فرمود:«از منبر پدرم فرود بیا» که نشان می‌دهد منبر خلیفه متعلق به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اهل‌بیت پیامبر به خلافت و نشستن بر آن منبر شایسته‌ترند و هر کس باید به جایگاه و حق خود احترام بگذارد.

*نامه امام حسین علیه السلام به سران بصره:: «نحن نعلم انا احق بذلک الحق»(طبری، ج۵، ص:۳۵۷)

این نامه به تحلیل و نقد سلطنت معاویه و تأکید بر حق اهل‌بیت علیهم السلام در خلافت پرداخته است. امام حسین علیه السلام به سران بصره یادآوری می‌کند که اهل‌بیت علیهم السلام به دلیل شایستگی‌هایشان حق خلافت دارند و حکومت بنی‌امیه را غیرقانونی می‌داند.

تحلیل سندی: حدیث مربوط به نامه، که از طریق ابی مخنف و الصقعب بن زهیر به

طبری رسیده است، به دلیل ضعف ابی مخنف ضعیف است، ولی الصقعب بن زهیر و ابی عثمان النهدي در زمره ثقات قرار دارند.

مضمون حدیث: امام حسین علیه‌السلام از این نامه برای تحقق اهداف اسلامی و اصلاح وضع موجود بهره برده است (طبری، ج۵، ص:۳۵۷؛ بلاذری، ۱۳۹۸ ق، /۲۸، ۳۱، ۵۴؛ یعقوبی، ۱۳۵۸، ۲۷۶).

۴-۳- توجه به جایگاه جنگ

امام حسین علیه‌السلام در مسائل سیاسی به جنگ پرداخته و از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند: «الْحَرْبُ خَدْعَةٌ» (بزاز، ۱۹۸۸، ۱۸۷/۴)، به معنای اینکه جنگ خدعه و فریب است.

تحلیل سندی: سند این حدیث ضعیف است چون صفوان بن المغلس، یکی از راویان، مجهول الحال است، هرچند سایر راویان معتبرند (هیثمی، ۱۴۱۴، ج۶، ص۲۶۸؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ هـ، ۳۳۵/۸).

مضمون حدیث: متن حدیث نشان‌دهنده آن است که جنگ به عنوان یک ضد ارزش تلقی می‌شود و تأثیرات منفی آن به جامعه آسیب می‌زند. قرآن نیز جنگ را عذاب الهی معرفی کرده و در اسلام تنها در شرایط ضروری و به عنوان جهاد مجاز است (سوره انعام، آیه ۶۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۰۹/۲۱-۴۰۸).

۴-۴- شناساندن ویژگی‌های اجتماعی فرد مؤمن

امام حسین علیه‌السلام در این روایت ویژگی‌های اجتماعی مؤمن را بیان کرده‌اند: «لا يَزْنِي مُؤْمِنٌ، وَلا يَسْرِقُ مُؤْمِنٌ، وَلا يَشْرَبُ الْخَمْرَ مُؤْمِنٌ» (المَرْوَزِي، ۱۴۰۶ هـ، ۶۴۲/۲). این حدیث بر سه ویژگی اخلاقی مؤمن تأکید دارد: پرهیز از زنا، دزدی، و شرب خمر.

تحلیل سندی: ابن حبان، أحمد بن بكر التغلبي و محمد بن مزاحم المروزي را در زمره ثقات ذکر کرده است (ابن حبان، ۱۴۱۱، ۵۱/۸؛ همان، ۵۸/۹). ترمزی از محمد بن مزاحم روایت کرده و مقاتل بن حیان و محمد بن زید العبدي نیز از ثقات هستند (مزی، ۱۴۰۰، ج۳، ص۳۹۶؛ ابن حبان، ۱۴۱۱، ۵۰۸/۷؛ حنظلي، ۱۲۷۱ هـ، ۲۵۶/۷). از آنجا که هیچ یک از راویان تضعیف نشده و همگی معتبر هستند، این حدیث از نظر سندی حسن است.

مضمون حدیث: این حدیث به سه ویژگی مؤمن تأکید دارد: پرهیز از زنا، دزدی، و شرب

خمر. این ویژگی‌ها جنبه‌های اجتماعی دارند و تأثیرات منفی آن‌ها فراتر از فرد و به جامعه آسیب می‌زند. این موارد در قرآن و روایات اسلامی به عنوان اعمال ناپسند و مضر شناخته شده‌اند و به شدت نهی شده است (مکارم شیرازي، ۱۳۷۴، ج ۱۲، صص ۱۰۳-۱۰۲؛ طباطبايي، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۸۶).

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: «أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانِ» (كليني، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۹)؛ یعنی شکم و شهوت جنسی بیشتر از همه باعث عذاب امت در دوزخ می‌شود. زنا و دزدی، به عنوان مصادیق این شهوت‌ها، در اسلام به شدت نهی شده‌اند. قرآن نیز به طور صریح زنا را منع کرده و آن را ناپسند و فاحش معرفی می‌کند: «ولا تَقْرَبُوا الزِّنى إِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وساءَ سَبيلاً» (اسراء، ۳۲). سرقت و کسب حرام نیز به شدت مورد نهی قرار گرفته‌اند و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نسبت به درآمدهای حرام و شهوت‌های پنهان هشدار داده‌اند (كليني، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۲۴).

۴-۵- ایجاد همدلی در میان مردم

در این زمینه، حدیثی که امام حسین علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند: «نِعْمَ الشَّيْءُ الْهَدِيَّةُ أَمَامَ الْحَاجَةِ» (تميمی، ۱۳۹۵، ۳/ ۱۱۳)، بهترین عمل، هدیه دادن در زمان نیاز است.

تحلیل سندی: حدیثی که بر اهمیت بخشش پیش از ابراز نیاز تأکید دارد، شامل احمد بن الحسن الصوفي و الهيثم بن خارجة است که به‌طور کلی معتبرند (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج۵، ص۱۳۲؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰، ۱۹/ ۳۸۸). با این حال، یحیی بن سعید العطار، یحیی بن العلاء البجلي، و سعید بن المرزبان به دلیل ضعف در اعتبار مورد انتقاد هستند (عقیلی مکی، بی‌تا، ۴/ ۴۰۳؛ ابن حنبل، ۱۴۳۰، ۱۹/ ۴۹۷). به همین دلیل، سند حدیث ضعیف است.

مضمون حدیث: این حدیث بر اهمیت کمک به دیگران و حفظ کرامت آنها تأکید داردو تقسیم اموال میان مهاجران و انصار در مدینه این اصول را نشان می‌دهند.

روایت دیگری از امام حسین علیه‌السلام می‌گوید: «تَقْبِيلُ الْمُسْلِمِ يَدَ أَخِيهِ الْمُصَافَحَةُ» (الصوفي، ۱۴۱۶ هـ، ۴۰)

تحلیل سندی: سند این حدیث شامل أحمد بن موسى السعدي و دیگر راویان معتبر است، اما عمر بن إبراهيم الكردي و دیگر راویان به ضعف در اعتبار شناخته شده‌اند (الجوزي، ۱۴۰۶، ۲/ ۲۰۴).

مضمون حدیث: این حدیث بر محبت و نزدیکی میان مسلمانان تأکید دارد و قرآن نیز به اهمیت برادری و صلح میان مؤمنان اشاره کرده است (حجرات، آیه ۱۰).

۴-۶- زنده کردن امر به معروف ونهی از منکر

از مهم‌ترین مسائل سیاسی-اجتماعی که امام حسین علیه‌السلام بدان توجه داده، بحث امر به معروف ونهی از منکر است. در حدیث آمده است: «لَمَّا بَايَعَ مُعَاوِيَةُ لِيَزِيدَ حَجَّ، فَمَرَّ بِالْمَدِينَةِ فَخَطَبَ النَّاسَ، فَقَالَ: إِنَّا قَدْ بَايَعْنَا يَزِيدَ فَبَايِعُوا، فَقَامَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، فَقَالَ: أَنَا وَاللهِ أَحَقُّ بِهَا مِنْهُ، فَإِنَّ أَبِي خَيْرٌ مِنْ أَبِيهِ، وَجَدِّي خَيْرٌ مِنْ جَدِّهِ، وَإِنَّ أُمِّي خَيْرٌ مِنْ أُمِّهِ، وَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُ، فَقَالَ مُعَاوِيَةُ: «أَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّ جَدَّكَ خَيْرٌ مِنْ جَدِّهِ فَصَدَقْتَ، رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ مِنْ أَبِي سُفْيَانَ بْنِ حَرْبٍ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّ أُمَّكَ خَيْرٌ مِنْ أُمِّهِ فَصَدَقْتَ، فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَيْرٌ مِنْ بِنْتِ مِجْدَلٍ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّ أَبَاكَ خَيْرٌ مِنْ أَبِيهِ فَقَدْ قَارَعَ أَبُوهُ أَبَاكَ فَقَضَى اللهُ لِأَبِيهِ عَلَى أَبِيكَ، وَأَمَّا مَا ذَكَرْتَ أَنَّكَ خَيْرٌ مِنْهُ فَلَهُوأَرِبُ مِنْكُ وَأَعْقَلُ، مَا يَسُرُّنِي بِهِ مِثْلُكَ أَلْفٌ» (طبرانی، ۱۴۱۵، ۱۹/ ۳۵۶)

تحلیل سندی: خطیب بغدادی مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُذُوعِيُّ را ثقه دانسته است. (خطیب بغدادی، بی تا، ۳ /۴۲۳) ابن حبان، زیاد بن یحیی الحساني را در زمره ثقات ذکر کرده است. (ابن حبان، ۱۴۱۱ ق، ۸ /۲۴۹) نسائی نیز اوراثقه دانسته است.(نسائی، ۱۴۲۳، ص۸۷) او از رجال صحیح مسلم است.(ابن منجویه، ۱۴۰۷، ج۱، ص۲۲۰)

الهیثم بن الربیع العقیلي، به وهم در حدیث متهم شده است. (عقیلي مکي، ۱۴۰۴ هـ، ۴ /۳۵۳) ابوحاتم گفته که معروف نیست. ترمزی تنها یک حدیث از اونقل کرده است. (مزی، ۱۴۰۰، ج۳۰، ص۳۸۵)

ابن حبان، سِرَارُ بْنُ مُجَشَّرٍ أَبُوعُبَيْدَةَ الْعَنَزِيُّ (ابن حبان، ۱۴۱۱ ق، ۸، ۳۰۵) وهشام بن حسان الأزدي (ابن حبان، ۱۴۱۱، ۵۶۶/۷) را در زمره ثقات ذکر کرده است.

محمد بن سیرین الأنصاري نیز ثقه است. (رازی، ۱۴۰۲، ۳ /۹۲۹) او یکی از راویان متهم به وهم است، در نتیجه سند حدیث ضعیف است.

مضمون حدیث: امام حسین در هر موقعیتی به امر به معروف پرداخته و از آنان که

محور حق بودند دفاع می‌کرد. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ ق، ۹۴-۹۵) نمونه‌هایی ازموضع گیری‌های امام حسین علیه‌السلام در حکومت معاویه بود که نشان از روحیه تسلیم‌ناپذیری وظلم ستیزی آن حضرت در مقابل اعمال ضد اسلامی معاویه وعمالش بود. امام این اقدامات را در زمانی انجام می‌دادند که جامعه اسلامی اسیر جهل، غفلت، بی عدالتی وخفقان امویان بود؛ و به تدریج افکارعمومی را برای قیام ونهضت خود در سال (۶۱، هـ)آماده کرد.

۴-۷- توجه به نقش دنیاگرایی در مسائل سیاسی- اجتماعی

حدیث: إِنَّ النَّاسَ عَبِيدُ الدُّنْيَا والدِّينُ لَعْقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحِّصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ.»

تحلیل سندی: طبری این حدیث را از ابومخنف به‌واسطه عقبة بن أبي العيزار نقل کرده است. عقبه، فردی کوفی بود. ابوزرعه گفته که اشکالی براونیست. (الرازي، ۱۴۰۲، ۳ /۹۱۰) ابی حاتم رازی گفته که اشکالی براونیست. احمد بن حنبل نیز گفته که صالح الحدیث است. (الحنظلي، ۱۲۷۱ هـ، ۶ /۳۱۵)

مضمون حدیث: «این دنیا تغییر کرده و چهره واقعی خود را نشان نداده است و آنچه از آن باقی مانده تنها مقداری است که به آن توجه نمی‌شود. حق اجرا نمی‌شود و باطل ممنوع نمی‌گردد. لذا مؤمن باید به دیدار خداوند رغبت داشته باشد، زیرا مرگ را جز سعادت نمی‌بینم و زندگی با ظالمان را به سختی می‌نگرم» (خوارزمی، ج ۲، ص ۷).

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز فرمودند: «دنیا دو نوع است: دنیای بی‌فایده و دنیای مفید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۱). امام علی علیه‌السلام نیز به فساد عقل و قلب ناشی از دنیاگرایی اشاره کرده و فرموده‌اند: «محبت دنیا عقل را فاسد می‌کند و قلب را از درک حکمت ناتوان می‌سازد» (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۲۱۳). این آموزه‌ها تأکید دارند که وابستگی به دنیا انسان را از توجه به ارزش‌های واقعی و دینی منحرف می‌کند و بر اهمیت پرهیز از دنیاپرستی تأکید دارند.

۴-۸- توجه رفتار صحیح براساس سنت

امام حسین علیه‌السلام از رسول خدا روایت کرده‌اند «عَمَلٌ قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ، خَيْرٌ مِنْ عَمَلٍ كَثِيرٍ

فِي بِدْعَةٍ»(الحنبلي، ۳۸۷ هـ، ۳۵۷/۱) «عمل کم در سنت بهتر از عمل زیاد در بدعت است» (الحنبلي، ۳۸۷ هـ، ۳۵۷/۱).

تحلیل سندی: حفص بن عمر الأردبيلي: ثقه بود.(ذهبی، ۱۴۱۴، ۴۳۴/۱۵)

محمد بن إدريس الحنظلي: امام، حافظ، ناقد، شيخ المحدثين(ذهبی، ۱۴۱۴، ۲۴۷/۱۳) او یکی از ائمه حافظ، اثبات، مشهور به علم واهل فضل بود.(مزی، ۱۴۰۰، ج۲۴، ص۳۸۱)

محمد بن عمروالتميمي: اوثقه است.(مزی، ج۸، ص۲۳۷)

بهز بن أسد العمي: اوثقه وثبت بود.(ابن حنبل، ۱۴۳۰ هـ، ۳۳۶/۱۶)

فضالة بن عمير الزهراني: ابن حبان اورا در زمره ثقات ذکر کرده است.(العجلی الکوفی، ۵ /۲۹۶)

مضمون حدیث: این حدیث بر اهمیت انجام اعمال مطابق با سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوری از بدعت‌های نادرست تأکید دارد. امام حسین علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده‌اند که عمل کوچک ولی مطابق با سنت ارزش بیشتری دارد تا اعمال زیاد که بر اساس بدعت است. این تأکید بر سنت در مقابل بدعت، نشان‌دهنده اهمیت پیروی از آموزه‌های صحیح دین و اجتناب از تغییرات نادرست است و می‌تواند به حفظ ارزش‌های دینی و پیشرفت جامعه کمک کند.

نتیجه‌گیری

از امام حسین علیه‌السلام در منابع اهل سنت احادیثی در حوزه مسائل سیاسی-اجتماعی نقل شده است. تحلیل این احادیث نشان می‌دهد که در هیچ یک از منابع اصلی اهل سنت (صحاح سته) ذکر نشده‌اند. از ۹ حدیث بررسی‌شده، چهار حدیث صحیح و معتبر و پنج حدیث دیگر ضعیف هستند. محتوای این احادیث شامل تأکید بر جایگاه اهل بیت، حق جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ویژگی‌های اجتماعی مؤمن، همدلی میان مردم، و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و تأثیر منفی دنیاگرایی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن اثیر، عز الدین، **تاریخ کامل**، جلد نهم، تهران، اساطیر.

ابن جوزی، جمال‌الدین ابوالفرج(۱۴۱۲ق)، **المنتظم في تاریخ الأمم والملوك**، محقق: محمد عبد القادر عطا، مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت.

ابن سعد الطبقات الکبری، **القسم المتمم لتابعي أهل المدینة ومن بعدهم**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸.

ابن شبه نمیری، عمربن شبه تاریخ المدینه المنوره، قم: دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

ابن صلاح، تقی الدین(۱۴۰۶)، **معرفة أنواع علوم الحدیث**، محقق: نور الدین عتر، سوریه/بیروت: دار الفکر/ دار الفکر المعاصر.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن الحسن(۱۴۱۵ق)، **تاریخ دمشق**، محقق: عمروبن غرامة العمروي، بی جا: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

ابن منجویه، احمد بن علی(۱۴۰۷ق)، **رجال صحیح مسلم**، محقق: عبد الله اللیثي، بیروت: دار المعرفة.

ابن‌منظور، محمّدبن مکرم لسان العرب، چاپ ۳، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.

أبوالحجاج، یوسف بن عبدالرحمن بن یوسف، **تهذیب الکمال في أسماء الرجال**، الطبعة: الأولی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۰م.

ابوحاتم، عبد الرحمن بن محمد(۱۲۷۱ق)، **الجرح والتعدیل**، حیدرآباد دکن/ بیروت: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیة/ دار إحیاء التراث العربي.

ابویوسف، یعقوب بن سفیان(۱۴۰۱ق)، **المعرفة والتاریخ**، محقق: أکرم ضیاء العمري، بیروت: مؤسسة الرسالة.

بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، **التاریخ الکبیر**، حیدر آباد: دائرة المعارف العثمانیة.

بزاز، ابوبکر احمد بن عمرو(۲۰۰۹م)، **مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار**محقق: محفوظ الرحمن زین الله، عادل بن سعد، صبري عبد الخالق الشافعي، مدینه: مکتبة العلوم والحکم.

بشیریه، حسین (۱۳۸۱)، **آموزش دانش سیاسی** «مبانی علم سیاست». تهران: نگاه معاصر.

البغدادي، أبوحفص عمر بن أحمد بن عثمان بن أحمد بن محمد بن أیوب بن أزداذ (بی تا)، **تاریخ أسماء الثقات**، بی‌تا، بی‌نا.

بلخی، ابوالقاسم(۱۴۲۱ق)، **قبول الأخبار ومعرفة الرجال**، محقق: أبوعمروالحسیني بن عمر بن عبد الرحیم، بیروت: دار الکتب العلمیة، بیروت.

التمیمي السمعاني المروزي، عبد الکریم بن محمد بن منصور، **التحبیر في المعجم الکبیر**، الطبعة: الأولی، بغداد: ناجي سالم، ۱۳۹۵هـ.

الجوزي، جمال الدین أبوالفرج، **الضعفاء والمتروکون**، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶.

حنبل، أبوعبد الله أحمد، **الجامع لعلوم الإمام أحمد**، بی: بی نا، ۱۴۳۰هـ.

حنبل، احمد(۱۴۳۰ق)، **الجامع لعلوم الإمام أحمد**، مصر: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث.
خطابی، ابوسلیمان(۱۳۵۱ق)، **معالم السنن**، حلب: المطبعة العلمية.
الخطيب البغدادي، أبوبكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي، **الكفاية في علم الرواية**، حيدر آباد: الدكن، ۱۳۵۷.
خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۲۲ق)، **تاریخ بغداد**، محقق: الدکتور بشار عواد معروف، بیروت: دار
خوارزمی، موفّق‌بن احمد **مقتل الحسین علیه‌السلام**، تحقیق محمّد سماوی، قم: انوارالهدی، ۱۴۲۳ق.
خیاط، ابوعمرو(۱۳۹۷ق)، **تاریخ خلیفة بن خیاط**، محقق: د. أكرم ضياء العمري، دمشق/بيروت: دار القلم/ مؤسسة الرسالة.
دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه**، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
الذهبي، شمس الدين أبوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قَايْماز، **المغني في الضعفاء**، حلب: دارالكتب، ۱۳۹۱.
ذهبی، شمس الدین أبوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان، **سير أعلام النبلاء**، قاهره: دار الحديث، ۱۴۲۷ ه.
ذهبی، شمس الدین(۱۳۸۲ق)، **ميزان الاعتدال في نقد الرجال**، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار المعرفة للطباعة والنشر.
ذهبی، شمس الدین(۱۴۱۳ق)، **الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة**، محقق: محمد عوامة أحمد محمد نمر الخطيب، جده: دار القبلة للثقافة الإسلامية-مؤسسة علوم القرآن.
ذهبی، محمدبن احمد بن عثمان، **تذهيب تهذيب الكمال في أسماء الرجال**، بی نا: فاروک مدرن، ۱۴۲۵.
رازي، سعدي بن مهدي الهاشميكتاب الضعفاء، **المدينة النبوية**: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، ۱۴۰۲ هـ.
راغب اصفهانی، حسین‌بن محمّد، **المفردات فی غریب القرآن**. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دارالعلم ـ الدار الشّامیّة، ۱۴۱۲ق.
سیوطی، جلال الدین(بی تا)، **تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي**، بی جا: دار طيبة.
سیوطی، جلال‌الدین، عبدالرحمان، **اللآلی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعة**، قاهره ۸۴۹-۹۱۱ق.
شیخ بهایی، محمد بن حسین، **الوجیزه فی الدرایه**، قم: بصیرتی، بی‌تا، ۱۳۷۸.
صبحی، صالح **نهج‌البلاغة**. ترجمة مصطفی رحیمی‌نیا. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰.
صفدی، صلاح‌الدین(۱۴۲۰ق)، **الوافي بالوفيات**، محقق: أحمد الأرناؤوط وتركي مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث.
طاهری، حسن، **جهاد در قرآن**، قم: حسن طاهری خرم‌آبادی، ۱۳۸۰.
الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، **المعجم الأوسط**، القاهرة: دار الحرمين، ۱٤۱۵ هـ.
طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، **المسترشد في إمامة عليّ بن أبي طالب علیه‌السلام** -ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۵ق.
طبری، محمدبن جریر بی تا، **تاریخ الأمم والملوك**، بیروت: دارالتراث، بی‌تا.

طریحی، فخرالدّین، **مجمع‌البحرین**. تحقیق سیّد احمد حسینی، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
عبد الرحمن بن زبر، ابوسلیمان(۱۴۱۰ق)، **تاریخ مولد العلماء ووفياتهم**، محقق: د. عبد الله أحمد سليمان الحمد، رياض: دار العاصمة
العجلی الکوفی، أبوالحسن أحمد بن عبد الله بن صالح، **تاریخ الثقات**، الطبعة الأولى، بی جا: دار الباز، ۱۴۰۵هـ.
عجلی کوفی، ابوالحسن(۱۴۰۵ق)، **تاریخ الثقات**، بی جا: دار الباز.
عده ای از علماء، **الأصول الستة عشر**(ط- دار الشبستري)، قم، چاپ: اول، ۱۳۶۳ش.
عزیزی، نور الدین بن محمد، **السراج المنير شرح الجامع الصغير في حديث البشير النذير**، بی جا: بی نا، بی تا.
العقيلي المكي، أبوجعفر محمد بن عمروبن موسى بن حماد، **الضعفاء الكبير**، الطبعة: الأولى، بيروت: دار المكتبة العلمية، ۱۴۰۴هـ.
العكبري الحنبلي، أبوعبد الله عبيد الله بن محمد بن بَطَّة (بی تا). **الإبانة عن شريعة الفرقة الناجية ومجانبة الفرق المذمومة**، الرياض: دار الراية للنشر والتوزيع
العلميه خطيب البغدادي، أبوبكر أحمد بن علي بن ثابت، **الفقيه والمتفقه**، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۷ هـ.
فیومی، أحمد بن محمد، **المصباح المنير في غريب الشرح الكبير**-قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق.
قرطبی، ابوعمر یوسب بن عبدالله(۱۴۱۲ق)، **الاستيعاب في معرفة الأصحاب**، محقق: علي محمد البجاوي، بيروت: دار الجيل، بيروت
کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي** (ط- الإسلامية)، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
کوفی اهوازی، حسین بن سعید الزهد، مشهد: دانشگاه رضوی مشهد، ۱۳۶۸.
کحلانی، محمد بن إسماعيل بن صلاح بن محمد الحسني، **التَّنويرُ شَرْحُ الجَامِعِ الصَّغِيرِ**، المحقق: د. محمَّد إسحاق محمَّد إبراهيم، رياض: مكتبة دار السلام، الرياض، ۱۴۳۲ق.
مصباح یزدی، محمد تقی، **جانها فدای دین**، قم: انتشارات موسسه آموزشی وپژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
مصطفوی، حسن، **التحقيق في كلمات القرآن الكريم**، تهران: وزارت فرهنگ وارشاد اسلامي، ۱۳۶۸ ش.
مناوی، زین الدین، **فيض القدير شرح الجامع الصغير**، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ق.
نسائی، ابوعبد الرحمن (۱۴۲۱ق)، **السنن الكبرى**، محقق: حسن عبد المنعم شلبي، بيروت: مؤسسة الرسالة.
نسائی، ابوعبد الرحمن(۱۴۲۳ق)، **تسمية مشايخ أبي عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي وذكر المدلسين** (وغير ذلك من الفوائد)، محقق: الشريف حاتم بن عارف العوني، مكه: دار عالم الفوائد.
نوروزی، محمّدجواد، **نظام سیاسی اسلام**. قم: انتشارات مؤسّسة آموزشی وپژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.
همدانی وادعی، مقبل بن هادی(۱۴۲۵ق)، **رجال الحاكم في المستدرك، صنعاء:** مكتبة صنعاء الأثرية.
هیثمی، ابوالحسن (۱۴۱۴ق)، **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد**، محقق: حسام الدين القدسي، قاهره: مكتبة القدسي.
یحیی بن معین، ابوزکریا(۱۳۹۹ق)، **تاريخ ابن معين** (رواية الدوري)، محقق: د. أحمد محمد نور سيف، مكه: مركز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي.
یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، بی جا: دار صادر، ۱۳۵۸ق.